

یادداشت

پس لرزه‌های بحران جانشینی «مام جلال»



فیض‌الله بیری

اتحادیه میهنی در ترمینولوژی سیاسی و حافظه تاریخی کردهای عراق، حزبی مدنی و شهری به شمار می‌رود و سلیمانیه به‌مثابه جغرافیای تحت نفوذ فکری‌اش، همواره مرکز فعالیت‌های فرهنگی و هنری توأم با آزادی بیان بوده است.
باین‌حال، این حزب با همان اشتیاق که با اتحاد چند گروه به رهبری جلال طالبانی در سال ۱۹۷۵ در مقابل حزب دموکرات به رهبری بارزانی‌ها اعلام موجودیت کرد، این روزها و ماه‌ها میل به رقابت درون‌حزبی و اشتیاق انشعاب پیدا کرده است. نخستین انشعاب را در سال‌های آخرین حیات جلال طالبانی، نوشیروان مصطفی، از نخستین رفقا و هم‌سنگر سیاسی طالبانی ایجاد کرد که آن را «جنبش تغییر» نام نهاد و پیش از مرگش، دوره‌ای شکوفایی و بهار کوتاه‌مدت را تجربه کرد، اما در انتخابات سال گذشته به‌شدت دچار افول شد. بعد از بازگشت از آمریکا، برهم صالح، دیگر عضو شورای مرکزی اتحادیه میهنی، رهبری انشعابی دیگر با نام «عدالت و توسعه» را بر عهده گرفت، اما دوام چندانی نیاورد. این انشعاب به آن دلیل بود که اتحادیه میهنی، فواد معصوم، چهره قدیمی و سنی اتحادیه میهنی و از جامعه فرهنگی و زبانی اورامی‌های این حزب را برای تصدی‌گزینه ریاست‌جمهوری -که طبق قراردادی نانوشته سهم سنی اتحادیه است- بر صالح تکنوکرات ترجیح داد. در مقابل، صالح حتی شخصا برای انتخابات مجلس محلی در مقابل دوربین قرار می‌گرفت و حزب جدیدش را تبلیغ می‌کرد.
باین‌حال، نه ماه‌سل فواد معصوم و نه انشعاب قهرآلود برهم دوام چندانی نداشت. چهار سال بعد، او گزینه اتحادیه میهنی برای ریاست‌جمهوری شد و در مقابل، حزب معلول عدالت و توسعه را از همان نونهالی منحل کرد. بعد از وفات مام جلال، جنگ سرد دوم اعلام‌نشده در کنگره اخیر اتحادیه میهنی به سطح رهبری رسید. برخی چهره‌های قدیمی حزب و بعضا بنیان‌گذاران آن با قهر و گله حزب را ترک کردند. از امثال برهم صالح، فعالیت حزبی دیده نمی‌شود و ملابختیار، رفیق کهنه‌کار جلال طالبانی، با دست خالی از حزب خارج شده است. دختر او نیز که همسر بافل بود، با وجود داشتن دو فرزند، متارکه کرد و به این ترتیب گسست سیاسی و فامیلی عمیق‌تر شد. این جدایی البته به تشکیل حزب جدید منجر نشد، اما هرازگاهی اختلافات با مصاحبه‌های ملابختیار به سطح افکار عمومی می‌آید. در خلا رهبری مام جلال، اتحادیه میهنی نتوانست اختلافات درون‌حزبی را انکار کند و نخستین بار رهبری مشترک را برای مدت حدود یک سال تجربه کرد. به این ترتیب، رهبری دونفره حزب اتحادیه میهنی به بافل فرزند بزرگ رهبر فقید اتحادیه میهنی و پسرعموش لاهور، فرزند شیخ جنگی رسید. آنان از شیوخ طالبانی کرکوک هستند که دست تقدیر و اجبار سیاست آنها را به سلیمانیه آورد. پسرعموها روزگاری در لندن رفیق گرمابه و گلستان بودند و فعالیت اقتصادی داشتند. مشخصا لاهور یک رستوران سودمند را مدیریت می‌کرد. بعد از بازگشت به سلیمانیه نیز تا زمان رقابت برای رهبری حزب، رفات پسرعموها ادامه داشت، چنان‌که به روایت بافل، در جریان یک تیراندازی در شهر دوزخ‌ورماتو، لاهور خود را در مقابل گلوله سیر کرد تا پس به پسرعموش نرسد. در این زمان، لاهور مسئول تشکیلات امنیتی ضدتور حزب اتحادیه میهنی در سلیمانیه بود. رفات و ماه‌سل سیاسی پسرعموها اما دیگر کششی برای ادامه نداشت. بافل با اقدام پیش‌دستانه مقتدرانه‌ای، لاهور را از رهبری حزب -به قول خودش- «خارج کرد» و رهبر بلامنازع اتحادیه میهنی شد. در پس این حوادث، انشعاب سوم در اتحادیه میهنی را لاهور، شیخ جنگی، کلید زد و «جبهه خلق» را آفرید. او بعد از زندگی نیمه‌مخفی کوتاه‌مدت و دیدارهای دیپلماتیک با بارزانی‌ها در اربیل، در هتلی به نام لاله‌زار در اطراف سلیمانیه مستقر شد و سپس نیروی محدود نظامی «دووشیک» (عقرب) را با فلسفه دفاع از خود -در مقابل حملات احتمالی هم‌حزبی‌های سابق و پسرعموهایش- تشکیل داد. در عرصه اجتماعی نیز باشگاه فوتبال نوروز را مدیریت می‌کرد که محبوبیت قابل قبولی در سلیمانیه دارد. آنان در انتخابات اخیر مجلس شهر به رخ کشیدند. این حزب با اراده بافل طالبانی و با پیش‌دستی تمام، تشکیلات پسرعموها را از هم پاشید و با حمله نظامی، باور دارد که تهدیدهای احتمالا منتهی به کودتای نظامی در حزب را برطرف کرده است. در ترقه‌بازی ضدرفقی پسرعموهای کرکوک در سلیمانه که نزدیک به چهار ساعت ادامه داشت، گفته می‌شود حدود ۱۰ نفر کشته، رهبر جبهه خلق و شماری از اقربای نسبی، فکری و تشکیلاتی او دستگیر شده و افرادی نیز در معرض دستگیری هستند و البته به اموال شخصی برخی شهروندان نیز خساراتی وارد شده است.
آثار تاریخی و پس‌لرزه‌های بحران جانشینی چهره‌های کاریزماتیک تا مدت‌ها بر پشانی شهر هویدا و اکنون در سلیمانیه و در نتیجه خلا رهبری سیاسی کاریزماتیکی همچون «مام جلال» پدید آمده است. مهم‌تر از آسیب‌های سیاسی و خسارت‌های مالی که ترقه‌بازی لاله‌زار به بار آورد، خراش برداشتن صورت و سیمای فرهنگی و البته آبروی دیپلماتیک سلیمانی- شهر شعور، شعر و ادبیات، شهر جامعه مدنی، آزادی بیان و پایتخت فرهنگی اقلیم کردستان- با گلوله‌های نیمه‌شب بود که نوعی تعرض نظامی به ناموس فرهنگی شهر تلقی می‌شود و میزان خساراتش با اعداد و شمارش قابل اندازه‌گیری نیست. واقعیتی آن است که کردها در اقلیم شکننده خودمختار کردستان عراق، بعد از ۳۶ سال هنوز نتوانسته‌اند اقتدار دولت را بر اراده حزبی تسری و تعمیم دهند و در سایه تغییر نقش حزب و دولت یا ترکیب‌شدن کارکرد و رسالت آنها، هنوز امکان بروز بحران‌های مشابه لاله‌زار وجود دارد.
عملیات کم‌سابقه نظامی ناشی از اختلافات حزبی در لاله‌زار سلیمانیه، خاطره تلخ اختلافات داخلی اقلیم کردستان میان دو حزب اتحادیه میهنی و حزب دموکرات در سال‌های پیش از اجرای فدرالیسم موسوم به «برادرکشی» را -که می‌رفت به فراموشی سپرده نشود- احیا کرد. چنین است که این‌روزها در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های کردستان عراق، دیگر بار این شعر مشهور «شیرکو بیگس» شاعر مشهور کردستان عراق دست‌به‌دست می‌چرخد و عمومی (ترند) شده است.
شیی مهترم گفت
عموزادها تا باید بکشی
- گفتی: چرا؟
- چون اسبی است که از سیاست ما منحرف شده
زنگی دیگر به خود گرفته
و دست و پاهایش برای خانه تهدید تلقی می‌شوند
فرمان چنین است که دیگر نباید زنده بماند
از راه میان‌بر حبله بر سرش فرود آمدم
اما قبل از اینکه او را بکشم
او مرا کشت

عبدالرحمن فتح‌اللهی، در روزهای منتهی به ضرب‌الاجل تروئیکا، پرونده هسته‌ای ایران بار دیگر به نقطه حساسی رسیده است؛ مجموعه‌ای از تحولات سیاسی، دیپلماتیک و امنیتی هم‌زمان در جریان است که می‌تواند مسیر مذاکرات، تحریم‌ها و سطح همکاری‌های بین‌المللی با تهران را تعیین کند. در جدیدترین مورد، لارنس نورمن، خبرنگار وال‌استریت ژورنال مدعی شده که امروز پنجشنبه، احتمال فعال‌شدن «مکانیسم ماشه» (SnapBack) توسط سه کشور اروپایی بسیار بالاست. گفتنی است که نشست روز سه‌شنبه در ژنو میان نمایندگان ایران، انگلیس، فرانسه و آلمان، به رغم تبادل دیدگاه‌ها، بدون دستیابی به توافق نهایی پایان یافت و تصمیم بر ادامه رابزنی‌ها گرفته شد. در این بین نیز، بازگشت نخستین گروه بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تهران، بحث سطح همکاری‌ها، اصلاح پیش‌نویس روسیه برای تمدید شش‌ماهه مکانیسم ماشه و اظهارات مقامات بلندپایه ایران و آمریکا، در جمله رافائل گروسی و استیو ویتکاف، همگی تصویر پیچیده و چندلایه‌ای از پرونده هسته‌ای ایران ترسیم می‌کنند. عراقچی، وزیر امور خارجه ایران هم بر آمادگی تهران برای مذاکرات غیرمستقیم با آمریکا تأکید کرده، مشروط بر اینکه تضمین شود در طول مذاکرات هیچ حمله‌ای رخ ندهد. او همچنین تأکید کرد پاسخ ایران به هر اقدام تجاوزکارانه، قوی‌تر از گذشته خواهد بود. ویتکاف نیز امیدوار است پرونده ایران تا پایان سال جاری حل‌وفصل شود. این مجموعه تحولات نشان می‌دهد پرونده ایران، هم یک موضوع فنی و هسته‌ای است و هم یک مسئله استراتژیک با پیامدهای سیاسی، امنیتی و منطقه‌ای.

احتمال فعال‌شدن مکانیسم ماشه و وضعیت مذاکرات ژنو

لارنس نورمن، خبرنگار وال‌استریت ژورنال، روز گذشته در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «اگر مکانیسم ماشه قرار باشد فعال شود، احتمال بسیار زیادی وجود دارد که این اتفاق امروز پنجشنبه رخ دهد». او افزود: «اگر ماشه فعال نشود، با اوضاع به طور چشمگیری تغییر می‌کند یا تمدیدی در کار خواهد بود، اما احتمال کنارگذاشتن مکانیسم ماشه بدون تمدید، در این مقطع بسیار ناچیز است». نشست ژنو میان نمایندگان ایران و سه کشور اروپایی نیز به بررسی فعال‌سازی مکانیسم ماشه اختصاص داشت. پیش از این، کشورهای اروپایی شروطی را مطرح کرده بودند؛ از جمله ازسرگیری بازرسی‌های آژانس، پاسخ‌گویی درباره ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران و ازسرگیری دیپلماسی، به‌ویژه با ایالات متحده.

با وجود این، جلسه بدون دستیابی به توافق نهایی پایان یافت و هر دو طرف تصمیم گرفتند رابزنی‌ها را ادامه دهند. ایران تأکید کرده است اروپا به دلیل پایبندنبودن به تعهداتش در برجام، فاقد مبنای قانونی برای فعال‌سازی ماشه است و پاسخ تهران به هر اقدام تحریمی، شدید خواهد بود. این محور نشان می‌دهد پرونده هسته‌ای ایران همچنان محل تشن و چالش بین دیپلماسی و فشارهای تحریمی است و فعال‌شدن یا نشدن مکانیسم ماشه می‌تواند مسیر مذاکرات را به طور مستقیم تحت تأثیر قرار دهد.

بازگشت بازرسان آژانس و سطح همکاری‌ها

در میان این اتفاقات نه‌چندان مثبت، رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، اعلام کرد نخستین گروه از بازرسان این نهاد به ایران بازگشته‌اند و فعالیت‌های نظارتی به تدریج آغاز شده است. به ادعای او: «بدون نظارت آژانس، هیچ مذاکره جدی و پایدار نمی‌تواند شکل گیرد. این بازگشت پس از توقف همکاری‌ها به دلیل حمله آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران انجام شده است». گروسی در مصاحبه با شبکه فاکس نیوز مدعی شد: «در ایران تأسیسات زیادی وجود دارد؛ برخی مورد حمله قرار گرفته‌اند و برخی نه. ما باید سازوکارهایی طراحی کنیم تا فعالیت‌های آژانس از سر گرفته شود. بدون این نظارت، هیچ مذاکره جدی نمی‌تواند انجام شود». دیپلمات ارشد هسته‌ای ادامه داد: «گفت‌وگوهای فنی مستمر با ایران ادامه دارد تا جارجوب همکاری‌ها پس از تحولات اخیر مشخص شود». با وجود بازگشت بازرسان، توافق نهایی درباره سطح دسترسی بین آژانس و ایران هنوز نهایی نشده است. به گزارش آسوشیتدپرس، بازرسی‌ها فعلا محدود به تأسیساتی است که تحت تأثیر حملات آمریکا و اسرائیل قرار نگرفته‌اند. این پیش از این، همکاری خود با آژانس را به دلیل عملکرد گروسی در جریان حملات، به حالت تعلیق درآورده بود و گزارش‌های فنی جانبدارانه آژانس را زمینه‌ساز تجاوزها می‌دانست. اکنون تهران در حال بررسی شکل همکاری‌های جدید است و انتظار می‌رود توافقی نهایی به‌زودی حاصل شود. بازگشت بازرسان نه‌تنها پیش‌شرط مذاکرات هسته‌ای است، بلکه نقش حیاتی در پیشگیری از بحران‌های مشابه ژوئن و ایجاد اعتماد دیپلماتیک میان ایران و طرف‌های برجام دارد.

موضع ایران و شرط مذاکره غیرمستقیم با آمریکا

در چنین شرایطی عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، خیر داد: «تهران آماده مذاکره غیرمستقیم با آمریکاست، مشروط بر تضمین عدم حمله نظامی در طول مذاکرات». به گفته مسئول سیاست خارجی کشورمان: «اگر تصور کنند آنچه را از طریق حملات نظامی نتوانستند به دست آورند، می‌توانند با مذاکره به دست آورند، این مذاکرات برگزار نخواهد شد». این موضع نشان‌دهنده تعادل حساس ایران میان دیپلماسی و دفاع از منافع امنیت ملی است. عراقچی تأکید کرده ایران هیچ‌گاه میز مذاکره را ترک نکرده و حتی در جریان مذاکرات قبلی، اسرائیل حمله کرده و آمریکا نیز پیوسته است. از این رو، هرگونه مذاکرات آینده، مشابه گذشته نخواهد بود و مستلزم جارجویی جدید و تضمین امنیت است. هم‌زمان، ایران با ادامه گفت‌وگوهای فنی با آژانس و سه کشور اروپایی، تلاش می‌کند جارجویی جدید برای مذاکرات هسته‌ای تعریف کند تا مذاکراتی عادلانه، منصفانه و بر اساس منافع مشترک شکل گیرد. این رویکرد، نشان‌دهنده اولویت ایران برای امنیت و پایدنی به دیپلماسی در عین حفظ قدرت پاسخ‌گویی است.

نقش روسیه و اصلاح پیش‌نویس شورای امنیت

در فاصله چهار روز تا ضرب‌الاجل تروئیکا برای ارسال نامه فعال‌سازی مکانیسم ماشه، روسیه پیش‌نویس اصلاح‌شده‌ای از قطع‌نامه خود برای تمدید شش‌ماهه مکانیسم ماشه توزیع کرده است. این پیش‌نویس، اجرای هرگونه بررسی ماهوی درباره اجزای قطع‌نامه ۲۲۳۱ برجام را به حالت تعلیق درمی‌آورد و هدف آن ایجاد فرصت برای ادامه دیپلماسی و کاهش فشارها علیه ایران است.

با این حال، به گفته لارنس نورمن، سه کشور اروپایی و ایالات متحده احتمالا این پیش‌نویس را رد خواهند کرد. لذا شاهد اصلاح پیش‌نویس توسط روس‌ها بودیم. این اقدام روسیه، هم بُعد حقوقی و هم استراتژیک دارد؛ مسکو می‌کوشد روند شورای امنیت را تحت تأثیر قرار دهد و از تشدید فشارها علیه تهران جلوگیری کند. این پیش‌نویس همچنین نشان‌دهنده اهمیت زمان در دیپلماسی هسته‌ای است و فرصتی برای حل‌وفصل اختلافات باقی می‌گذارد. این اقدام روسیه می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در متوازن‌کردن فشارهای غرب و حفظ فرصت‌های دیپلماتیک ایفا کند، به‌ویژه در شرایطی که اروپا و آمریکا همچنان به دنبال فعال‌سازی یا تمدید مکانیسم ماشه هستند.

چشم‌انداز بین‌المللی و اظهارات مقامات

استیو ویتکاف، مشاور رئیس‌جمهور آمریکا در امور خاورمیانه، ابراز امیدواری کرده پرونده ایران تا پایان سال جاری حل‌وفصل شود. به ادعای او: این هفته نشست‌های طولانی درباره ایران، غزه، روسیه و اوکراین برگزار می‌کنیم و امیدواریم این پرونده‌ها پیش از پایان سال به نتیجه برسند». رافائل گروسی نیز تأکید کرده که بازگشت بازرسان و ازسرگیری فعالیت آژانس، پیش‌شرط مذاکرات جدی است. او افزود همکاری ایران با آژانس، کلید پیشگیری از بحران‌های مشابه ژوئن و ایجاد اعتماد بین‌المللی است. این اظهارات نشان می‌دهد بازنگران بین‌المللی، از آژانس گرفته تا کشورهای اروپایی و آمریکا، همچنان بر دیپلماسی و نظارت بین‌المللی تمرکز دارند. در حالی که ایران خواستار تضمین امنیتی و پایدنی کامل طرف‌ها به تعهدات است. با وجود این، پرونده هسته‌ای ایران در نقطه‌ای قرار دارد که هر تصمیم سیاسی و دیپلماتیک، پیامدهای گسترده‌ای خواهد داشت. مذاکرات ایران با آمریکا، بازگشت بازرسان آژانس، مذاکرات ژنو، اصلاح پیش‌نویس روسیه و شرط ایران برای مذاکرات با آمریکا، پنج محور کلیدی این پرونده هستند. این مجموعه تحولات نشان می‌دهد پرونده ایران نه‌تنها مسئله فنی و حقوقی، بلکه موضوعی استراتژیک و سیاسی با پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی است. فشار دیپلماتیک و امنیتی، نیاز به همکاری بین‌المللی و تضمین امنیتی تهران، تداوم دیپلماسی و مراقبت از ثبات منطقه‌ای را بیش از پیش ضروری می‌کند.

عبدالرضا فرجی‌راد: شرایط هنوز به‌گونه‌ای است که نمی‌توان آن را به معنای پایان کار تلقی کرد



در سایه مجموعه تحولات که گفته شد، عبدالرضا فرجی‌راد در گفت‌وگوی خود با «شرق» یک قرائت خوش‌بینانه نسبت به اتفاقات پیش‌رو دارد و تأکید می‌کند: «هرچند خبرهایی درباره فعال‌شدن احتمالی مکانیسم ماشه توسط خبرنگار وال‌استریت ژورنال برای امروز پنجشنبه منتشر شده، اما شرایط هنوز به‌گونه‌ای است که نمی‌توان آن را به معنای پایان کار تلقی کرد». به گفته این استاد دانشگاه و با توجه به مذاکرات تلفنی روز جمعه گذشته میان



«شرق» از نشست بی‌توافق در ژنوبه موازات بازگشت بازرسان آژانس، اصلاح پیش‌نویس روسیه و هشدارهای متقابل تهران و واشنگتن در آستانه ضرب‌الاجل تروئیکا گزارش می‌دهد

ساعت شنی هسته‌ای

عراقچی و همتایان اروپایی و نیز نشست عصر سه‌شنبه ژنو، فرصت‌های زیادی برای حل‌وفصل مسائل باقی مانده و هنوز یک ماه کامل برای چانه‌زنی و مصالحه باقی است». کارشناس مسائل اروپا، ذیل همان نگاه خوش‌بینانه خود با اشاره به طرح‌های مختلف پیشنهادی، توضیح می‌دهد: «روسیه و اروپایی‌ها طرح‌های متفاوتی را ارائه کرده‌اند، یکی شامل تعلیق شش‌ماهه است و دیگری شامل شروطی برای ادامه همکاری ایران با آژانس». لذا این استاد ژئوپلیتیک باور دارد: «ایران در این میان به‌صورت قطره‌چکانی با آژانس همکاری می‌کند و این روند به‌نوعی نشان‌دهنده سیاست تهران است؛ سیاستی که اجازه می‌دهد بخشی از خواسته‌های اروپایی‌ها پاسخ داده شود، بخشی برای مذاکرات با آمریکا حفظ شود و بخشی دیگر به عنوان اهرم چانه‌زنی نهایی نگه داشته شود». به زعم فرجی‌راد: «اقدام ایران برای ورود بازرسان آژانس به کشور در واقع چراغ سبزی برای همکاری با غرب است؛ هرچند اروپایی‌ها هنوز به طور کامل قانع نشده‌اند و عقب‌نشینی‌هایی که ایران در مذاکرات اخیر انجام داده، به نظر نمی‌رسد که موجب رضایت کامل طرف مقابل شده باشد». تحلیلگر ارشد مسائل بین‌الملل همچنین تصریح می‌کند: «نقش اسرائیل در این میان نباید نادیده گرفته شود. اسرائیل با نفوذ قدرتمند در آمریکا، می‌تواند مسیر مذاکرات و تعاملات بین ایران و غرب را تحت تأثیر قرار دهد و حتی در تعیین چارچوب بحران و احتمال جنگ، بازیگر اصلی باشد». مفسر ارشد حوزه سیاست خارجی در تشریح این موضوع می‌گوید: «لایه اسرائیل در آمریکا، به‌ویژه در دوره اخیر ریاست‌جمهوری ترامپ، بر مسئله غنی‌سازی سه درصد ایران تأثیرگذار بوده است. هرچند برای ترامپ خود مسئله غنی‌سازی اهمیت کلان نداشت و هدف اصلی او حصول توافق بود. با این حال، شرایط امروز متفاوت است و انتخابات سنا و فشارهای لایه اسرائیل می‌تواند نقشی تعیین‌کننده داشته باشد». فرجی‌راد ادامه می‌دهد: «چشم‌انداز مذاکرات، به‌ویژه مذاکرات غیرمستقیم با آمریکا، همچنان مبهم است. هرچند ایران اعلام آمادگی کرده که مذاکرات غیرمستقیم را آغاز کند به شرط عدم حمله، اما عدم حصول توافق فوری با اروپا باعث شده فضای داخلی و بازار واکنش‌های منفی نشان دهند و احتمال افزایش تنش و درگیری نظامی را تقویت کنند».

به گفته کارشناس مسائل اروپا: «ایران با احتیاط و به‌صورت مرحله‌ای به آژانس اجازه فعالیت داده و همچنان بخشی از امتیازات اصلی را برای مذاکرات نهایی با آمریکا نگه داشته است». با چنین برداشتی، او معتقد است: «ایران به دنبال ایجاد تعادل بین نشان‌دادن آمادگی همکاری با غرب و حفظ توان چانه‌زنی خود در مذاکرات است. در این مسیر، چراغ سبز ایران محدود و مشروط است و فقط در صورتی که اروپایی‌ها همکاری واقعی نشان دهند، امکان گسترش همکاری‌ها وجود دارد». این استاد ژئوپلیتیک همچنین به تحلیل نقش ایالات متحده در بحران اشاره می‌کند و یادآور می‌شود: «با توجه به شرایط داخلی و انتخابات پیش‌رو کنگره، دولت ترامپ نمی‌تواند به طور کامل اجازه حمله به ایران یا حمایت یک‌جانبه از اسرائیل را بدهد. واقعیت آن است که واشنگتن تلاش می‌کند هم‌زمان منافع داخلی و بین‌المللی خود را مدیریت کند و از واردشدن به جنگ مستقیم با ایران اجتناب کند، چراکه این امر می‌تواند پیامدهای سیاسی و اقتصادی گسترده‌ای داشته باشد».

در نهایت، فرجی‌راد نتیجه‌گیری می‌کند: «وضعیتی فعلی بسیار شکننده است و تمدید احتمالی شش‌ماهه مکانیسم ماشه فقط زمان بیشتری برای تصمیم‌گیری ایران، اروپا و روسیه فراهم می‌کند». به باور او: «ایران هنوز برنامه جامع و مشخصی برای خروج از بحران ندارد و این معادله فقط می‌تواند محدود به چهار ماه آینده باشد تا پایان سال میلادی؛ زمانی که تکلیف نهایی برنامه هسته‌ای ایران، مذاکرات اروپا و وضعیت یک اوکراین روشن خواهد شد». به این ترتیب، تحلیلگر ارشد مسائل بین‌الملل معتقد است: «آینده بحران هسته‌ای ایران تا حد زیادی به تعادل بین چراغ سبزیهای محدود ایران، فشارهای اروپایی، نقش اسرائیل و ملاحظات داخلی آمریکا وابسته است و هیچ‌یک از طرف‌ها نمی‌توانند به‌تنهایی مسیر بحران را کنترل کنند».

فریدون مجلسی: هر روز که می‌گذرد، هزینه‌های ایران بیشتر خواهد شد



فریدون مجلسی، دیگر کارشناسی بود که درست برخلاف نگاه خوشبینانه فرجی‌راد، یک باور بدبینانه به تحولات پیش‌رو دارد. دیپلمات اسبق کشور، در کپ‌وگفت خود با «شرق» از وضعیت مذاکرات هسته‌ای و چشم‌انداز روابط ایران با غرب، تصویری نه‌چندان امیدوارکننده ارائه می‌دهد و به زعم او: «هرچند ایران در ماه‌های اخیر تلاش کرده است با نشان دادن اعطاف محدود، از شدت فشارها بکاهد، اما واقعیتی این است که مسیر تحولات به‌گونه‌ای پیش می‌رود که آینده‌ای روشن برای عبور از بحران فعلی متصور نیست».

یک نکته، یک نظر

متخاصم کیست؟



احمد شیرزاد

آیا سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همواره بر محور تخصص با دول خارجی، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا استوار بوده؟ یا برعکس، سیاست ۵۰ سال گذشته ایران و نماینده‌اش در منطقه، یعنی اسرائیل، بر متخاصم با ایران بنا شده است؟ من می‌پذیرم که برخی از نیروهای سیاسی در جناح اصولگرا به دنبال سیاست ستیزه‌جویانه دائمی با جهان غرب و در رأس آن آمریکا هستند. این واقعیتی کتمان‌ناپذیر در آرایش سیاسی کشور است. اما سؤال این است که آیا همواره سیاست رسمی کشور بر مبنای این گرایش سیاسی شکل گرفته است؟ هرگز چنین نیست. درواقع، پیروزی اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست‌جمهوری سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۰ که منجر به دولت هشت‌ساله اصلاحات شد، بر مبنای گرایش عمومی جامعه به پرهیز از تنش با جهان شکل گرفت. پس از دوران دولت احمدی‌نژاد نیز مجدداً شعار «سانتریفئور بچرخد، اما کاری کنید که چرخ مملکت هم بچرخد» توسط حسن روحانی منجر به تشکیل دولت تدبیر و امید و فرایند طولانی برجام شد. و بالاخره همین یک سال پیش، رأی مردم به پزشکیان ریشه عمیق در پرهیز جامعه از دادن سکان سیاست خارجی به دست گرایش ستیزه‌جویانه داشت.

در هر سه مورد خاتمی، روحانی و پزشکیان، آثار میل به تنش‌زدایی و برقراری ارتباط کم‌هزینه با دولت‌های غربی به‌وضوح در رفتار این دولت‌ها و سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران مشهود بود. خاتمی پاسخ خود را با طرح محور شرارت جورج بوش گرفت، روحانی ثمره دو سال تلاش منتهی به برجام را در خروج یک‌جانبه آمریکا و برقراری تحریم‌های بی‌سابقه یک‌جانبه گرفت و پزشکیان نیز تلاش در کاهش تنشودن باب مذاکره و گفت‌وگو با طرف اصلی ماجرا یعنی آمریکا را در جنگ ۱۲روزه تحمیلی آمریکا-اسرائیل دریافت کرد.

تصور می‌کنم برخی از دوستان با شنیدن کلمه «ششم» در فضای گفتمانی کشور مشکل دارند. خب عزیزان، با چنین رفتاری، آمریکا دشمن است، مگر نیست؟ در ۷۰ و اندی سال گذشته کدام رفتار دوستانه را از آمریکایی‌ها دیده‌ایم که دل‌مان را به خوش آن می‌بشکنند یا به خصوص با برخی رفتارهای شاعرگونه و ظاهرگرایانه که ژست آمریکایی/ضدمریکایی توخالی و بی‌ثمر را به جامعه القا می‌کند مشکل دارم. بیشتر از این بگویم؛ مثل همه اصلاح‌طلبان از تفوق دیدگاه رقیب پزشکیان (در انتخابات گذشته) احساس نگرانی دارم. اما اشتباه نکنیم، در رفتار آمریکایی‌ها بویی از دوستی به مشام نمی‌رسد.

بسیار ساده‌لوحانه است که تصور کنیم یک برقدردت قدرقدرت مثل آمریکا، سیاست خارجی خود را بر مبنای «مرک بر آمریکا» گفتن مردم در نمازجمعه یا به آتش کشیدن پرچم آمریکا تنظیم می‌کند. آنها اگر منافع‌شان را در دوستی با ایران مستقل و ترک تخصص چنده‌ساله قرار داده بودند، این مسائل ظاهری هم حل می‌شد و چندان گرهی در سیاست دولت‌ها نبود (در حاشیه عرض کنم، ببینید چطور وقتی روابط ما با مصری‌ها رو به بهبود رفت، اسم خیابان خالد استانبولی هم تغییر کرد).

برخی از دوستان مشکل دارند که چرا فلان نماینده مجلس با فلان مدیرمسئول بهمان روزنامه سخنان تندروانه می‌گوید؛ خب بگوید. تا جایی که این قبیل افراد خلاف قوانین جمهوری اسلامی کاری نکرده‌اند، من و شما نمی‌توانیم متعرض آنها شویم. کسانی سال‌هاست می‌گویند که ما باید بمب بسازیم و از آن بی‌تی خارج شویم؛ خب بگویند. آیا در عمل چنین شده است؟ مگر در آن سوی قضیه، شاهد هزاران موضوع‌گیری ضدایرانی نیستیم؟